

سفره پذیرایی در صحن از حرم



سفره‌های پذیرایی که هم‌زمان با دهه کرامت در صحن امام حسن مجتبی (ع) پهن شده بود، با توجه به ازدحام زائران، تا چهاردهم خرداد ادامه دارد. آن طور که آستان قدس رضوی اعلام کرده است، این سفره در دومین سال پیاپی گسترده می‌شود و از زائران و مجاوران باغذای متبرک حضرت رضا (ع) پذیرایی می‌کند. کارت دعوت این طرح ویژه که هر شب میزبان ۳ هزار زائر است، از طریق «نسیم رضوان» و توزیع در حرم مطهر در اختیار زائران قرار می‌گیرد.

گل‌باران مزار شهدای حرم

با حضور ۱۵۰ نفر از خادمان بارگاه منور رضوی، مزار شهدای حرم گل‌باران شد. به گزارش آستان قدس، مراسم غبارروبی و عطرافشانی قبور مطهر شهدای هشت سال دفاع مقدس به مناسبت دهه کرامت و گرامی‌داشت روز مقاومت و پایداری با حضور دربان‌ها، فرانس‌ها و کفشدارها در بهشت‌های ثامن الائمه (ع) حرم مطهر رضوی واقع در صحن‌های جمهوری اسلامی، قدس و آزادی برگزار شد. در این سه صحن بیش از هفتصد شهید مدفون هستند.

مادر شهیدی که همه دارایی‌اش را وقف کرده است
در میان قاب‌های غبارگرفته روزگاری می‌گذراند

تنها در اتاق همتری



مسجد صدساله موسی بن جعفر^(ع) با بازسازی حفظ شد

قدیمی‌های پای کار آمدند

سعیده ساجدی نیا دست کشیدن به در و دیوار مسجدی در قلب یکی از کوچه‌های قدیمی شهر شاید خیلی مهم به نظر نیاید، اما اگر دو نکته را به آن اضافه کنیم، شاید اهمیتش بیشتر آشکار شود؛ اینکه قدمت این مسجد به بیش از یک صدسال می‌رسد و از همان سال‌های نخست با گرفتار شدن مشکلات و خدمات ویرکات بسیاری برای نیازمندان بوده است؛ مسجدی که با وجود همه مشکلات و موانع اقتصادی، هفته‌ای نیست که میزبان آدم‌های رنجور شهر نباشد؛ فرقی نمی‌کند زائر باشند یا مجاور! خوان کریمان مسجد موسی بن جعفر^(ع) همیشه برای فقیر و غنی پهن می‌شود و نتیجه اش حاجت‌روایی بسیاری از رزومندان شده است.

رضا ایمانی یکی از اهالی قدیمی محله پایین خیابان است که برای بازسازی مسجد محله همه را دور هم جمع کرد. حالا در مسجد بعد از چند ماه بنایی در زمستان گذشته به روی نمازگزاران باز شده است.

● با کمک مردم جلو تخریب گرفته شد

از آخرین باری که حال و هوای معماری مسجد را دستخوش تغییر کرده‌اند، دست کم پنج سال می‌گذرد. آن سال فقط توانستند برخی تعمیرات جزئی را انجام دهند و کمی حیاط مسجد را فضا سازی

کنند. اما این بار قسمت‌هایی از دیوارهای بیرون مسجد در حال تخریب بود. همان ابتدا شهرداری وعده مساعدت ۴۰ میلیون تومانی را به هیئت امنای مسجد داد، اما پرداخت آن را به شروع و پیشرفت کار منوط کرد.

اهالی پایین خیابان که برای این بازسازی مصمم شده بودند، به هر زحمتی بود، دست به کار شدند. با هر آدم دست به خیری که می‌شناختند، موضوع را در میان گذاشتند. یک شهروند ساکن کویت جزو اولین نفراتی بود که برای حمایت مالی از هزینه‌ها پای کار آمد. محمد دشتی که خودش از نزدیک روند فعالیت عمرانی را رصد می‌کرد، ۲۳ میلیون تومان هزینه کرد.

شهرداری با سرمایه‌گذاری بیرونی مسجد موافقت نکرد و سنگ تراورتن جایگزین شد. در روند این بازسازی، فضای بیرونی مسجد نیاز به درب داشت که اضافه‌شده و کتیبه سردر نیز تعبیه و نصب شد. در مدت چند ماهی که بازسازی مسجد موسی بن جعفر^(ع) به جریان افتاد، افراد زیادی پای کار آمدند و نقش آفرینی کردند. حاج حسین هاشمی یکی از این آدم‌ها بود که هم کمک مالی کرد و هم گوشه‌ای از مدیریت کار را بر عهده گرفت. مهندس رضانی (ناظر پروژه)، حاج حسین خاموشی (جوشکار و برش کار) و آقای قاسمی (کاشیکار) دستمزد نگرفتند و محسن صباغ‌پزیدی

برای هزینه‌های بر زمین مانده وام قرض الحسنه در اختیار دست‌اندرکاران گذاشت و در نهایت حاجیه خانم شبانی کابینت‌های آشپزخانه مسجد را اهدا کرد.

● کمک به سکونت خادم

در این کار گروهی، علاوه بر بازسازی فضای بیرونی و داخلی مسجد، یک آشپزخانه دیگر هم به مسجد اضافه و ساخت یک اتاق دیگر برای خادم مسجد پیش‌بینی شد تا فرصت زندگی برای خانواده‌اش فراهم شود و کسی که قرار است مسئولیت خادمی را بر عهده بگیرد، دغدغه اجاره‌خانه نداشته باشد. آن‌طور که مجریان طرح برآورد کرده‌اند، ساخت این اتاق پانزده متری دست کم ۲۰ میلیون تومان هزینه دارد. این در حالی است که بیش از ۱۰۰ میلیون تومان هزینه بازسازی مسجد شده و ۴۰ میلیون تومان از این مبلغ را شهرداری تأمین کرده است.



مسجد موسی بن جعفر^(ع) اولین بار هفتاد سال پیش بازسازی شده است. پیرمردی از پایین خیابان به نام حاج غلامرضا قارونی که آن زمان ۱۰ سال بیشتر نداشته، با کمک پدرش در این بازسازی حضور داشته است. از او به عنوان قدیمی‌ترین کلیددار مسجد یاد می‌شود.

طبق گفته‌های حاج قارونی، سفره‌داری مسجد موسی بن جعفر^(ع) بیش از هفت دهه پیش آغاز شده و هر چهارشنبه شب دو بیست نفر از مردم به خصوص نیازمندان را دور هم جمع می‌کند تا میهمان اهل بیت^(ع) شوند؛ سفره‌ای که به نام مسجد موسی بن جعفر^(ع) شناخته می‌شود. البته این مسجد صدساله فقط سفره‌دار نیست، بلکه یکی از مراسم‌های پرشور و شلوغ اربعین مشهد با حضور حدود ۱۰ هزار عزادار به نام آن ثبت شده است. برای پذیرایی از آن عزادارها سفره همان سفره همیشگی، بیش از چند تن برنج در یک روز پخته می‌شود.

گفت و گو با جوان‌ترین مربی قرآن حرم مطهر که از شاگردی به استادی رسید

سفیر فرهنگی ایران

زهرامجمه پورا تا چشم باز کرده، سایه قرآن بر سرش بوده است. پدرش معلم قرآن و مادرش هم فعال فرهنگی و قرآنی است. به همین واسطه روفا فضائلی اولین دیدار با کلام خدا را از همان سال‌های اول تولد به یاد دارد. این شیرینی که اکنون مثل عسل به زندگی اش طعم داده است، به خاطر همان روزی است که تصمیم به شرکت در کلاس‌های حفظ قرآن در حرم مطهر امام هشتم گرفت.

نقطه عطف زندگی اش را شرکت در این کلاس می‌داند. حظی که از هم‌جواری با امام هشتم در این محافل نورانی می‌برد، دلیلی شد برای ریشه‌دواندن آیات کلام خدا در دل و جاننش؛ آیاتی که دل را جلا می‌دهد و نونوار می‌کند. موفقیت‌هایی که روفا در این زمینه با وجود سن کم کسب کرده است، کم نیستند. او این موفقیت‌ها را امید پیوند انس با امام رثوفش می‌داند. کسی که پسوند نامش در این روزها «جوان‌ترین قاری و مربی قرآن کریم در حرم مطهر» است.

● گمشده من همان قرآن بود

رشد کردن در خانواده مذهبی وانسی که از کودکی با قرآن پیدا کرده بود، پیش‌زمینه خوبی برایش فراهم کرده بود تا در مسیر قرآنی قرار بگیرد. از آن روزها چنین می‌گوید: در چهارده سالگی ام‌یکی از دوستان در مدرسه حافظ چهارده جزء قرآن بود.



● جوان‌ترین مربی قرآن حرم

روفا فضائلی ۲۴ بهار را دیده است و عنوان جوان‌ترین مربی قرآن کریم حرم مطهر را دارد. با توجه به رشته دبیرستانش که علوم تجربی بود، می‌توانست در دانشگاه به رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی بپردازد، اما ترجیحش این بود که در حوزه تخصصی قرآن فعالیت کند. او کارشناسی ارشدش را در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه فردوسی گرفته است. روفا از همان ابتدا که موفق به حفظ قرآن شد، در مسابقات مختلف شرکت می‌کرد. حاصلش رتبه اول مسابقات کشوری اوقاف در سال ۱۴۰۱ در اهواز و رتبه نخست مسابقات ملی دانشجویی در سال ۱۴۰۱ در قم است.

او که از سال ۱۳۹۵ به عنوان کارشناس و مربی حفظ قرآن کریم اداره علوم قرآنی حرم مطهر رضوی و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی همکاری می‌کند، عهده‌دار داور مسابقات قرآنی است.

روفا که معلمی را با تدریس در رشته قرآن و عربی تجربه می‌کند، به مسابقات بین‌المللی هم راه پیدا کرده است. او به عنوان سفیر فرهنگی مسابقات بین‌المللی که بین کشورهای مسلمان در کشور اردن برگزار شده، به عنوان اولین زن در این عرصه شرکت کرده است؛ این مسابقات از هر سن و فرهنگی شرکت‌کننده داشت، اما من و یک خانم عراقی تنها افراد شیعه این مسابقات بودیم.

او ادامه می‌دهد: به علت اخبار غلط و طرز فکر منفی درباره زنان شیعه، اینکه یک خانم در این مسابقات شرکت کرده بود، برایشان تعجب‌آور بود. بار مثبتی که شرکت در این مسابقات برایم داشت، سخنرانی کوبنده ام‌باتا کید بر این نکته بود که شیعه وزن بودن هیچ تضادی با قرآن و عترت ندارد. خوش‌حالم که تا حدودی ذهنیت آن‌ها را درباره شیعیان تغییر دادم.

کلام آخر او درس گرفتن از قرآن برای زندگی بهتر است و اینکه نباید اجازه بدهیم که قرآن سرطاقچه‌ها باز نشده بماند.



سعیده ساجدی نیا خانه از همان روز و دی به نام و یاد شهید مزین شده است. سردر خانه تابلویی نصب شده که سمت چپش عکس شهید نقش بسته و سمت راستش نوشته شده است: «مجموعه فرهنگی آموزشی طلبه شهید علیرضا غفار یان وفایی». اینجا خانه شهیدی است که در طول عمر بیست و دو ساله اش، کسی جز خوبی و خیر از او چیزی ندید. فعالیت های انقلابی اش خیلی زود شروع شد. روحیه دنیا طلبی نداشت و هیچ جوهر حاضر نشد در طول زندگی دست از آرمان هایش بردارد. حتی وقتی مادرش هدیه ای یا لباسی نو برایش می خرید، زیر بار نمی رفت که آن را بپذیرد. همیشه می گفت نیازی به این هزینه ها نیست و با همین لباس ها هم هنوز می شود زندگی کرد. بخت یار شد و فرقه به ناممان افتاد که ساعتی را به عیادت فاطمه قاسم خانی، مادر شهید علیرضا غفار یان وفایی، برویم تا فرصتی باشد برای مرور خاطراتش و گذشته ای که حالا در هشتمین دهه زندگی اش، اشک را مهمان چشمان غم بارش کرده است. او چند سالی است که همه دار و ندارش را وقف کرده است؛ از خانه ای که در آن زندگی می کند تا مسجدی که زمینش را در حاشیه شهر خرید و برای ساخت بنای مسجد به همه طلاهایش چوب حراج زد.

مادر شهیدی که همه دارایی اش را وقف کرده است در میان قاب های غبار گرفته روزگاری گذراند

تنها در اتاق ۵ متری

● زندگی با قاب عکس های قدیمی

خودش در طبقه اول خانه ای که وقف طلبه ها و امور فرهنگی حوزه علمیه کرده است. روزگاری می گذراند. مساحتش به پنجاه متر نمی رسد؛ فضای جمع و جوری که پلاستیک های دار و در و تادورش خودنمایی می کند. دیوارهای خانه هم هنوز رنگ و لعاب قدیم هارا دارد و با تابلو عکس شهید و رهبر فقید انقلاب در چند گوشه تزیین شده است. حال و هوای خانه گواه آن است که فاطمه خانم در همه سال هایی که رنج فراق فرزند شهیدش را تحمل کرده، با همین دیوارها و همین قاب عکس های قدیمی خو گرفته است. ساعت هنوز به ۱۱ نرسیده که بوی پلوی دم پختکش فضای خانه را عطر آگین کرده است. زندگی اش بیشتر روی تخت فلزی ای که روبرو به قبله است، سپری می شود. عکس علی آقا پیش به دیوار روبروی هم میخکوب شده است و مادر همه روز به تماشای چهره متبسم پسرش صبح راه شب می رساند. صحبت هایش را با خواندن سوره حمد شروع می کند و می گوید: از کجا و کدام ویژگی علی آقا برایتان بگویم؟ سرش را پایین می اندازد و لحظاتی را به سکوت می گذراند. دوباره سرش را بالا می آورد. نگاهش به قاب عکس شهید گره می خورد. با بغض و خنده می گوید: خدا رحمتش کند، غیر از هم سن و سالانش بود. لباس نو که برایش می خریدم، ناراحت می شد و قبول نمی کرد بیوشد!

● به دلم افتاده بود که علی آقا شهید می شود

هر بار راهی خط مقدم می شد، وقت خدا حافظی به من می گفت: «مامان جان، مبادا گریه کنی یا بی تابی کنی! این وصیت تکراری علی آقا بود که همیشه از سر نگرانی برای روزگار پس از خودش با من اتمام حجت می کرد. فاطمه خانم هم بدون هیچ لرزش و بغضی به او اطمینان می داد که فقط روی مأموریت هایش متمرکز شود و خیالش از هر نظر راحت باشد که مادر استواری دارد. فاطمه خانم پس از ازدواج به واسطه شغل همسرش ساکن تهران شده بود. حاج کربلایی عباس در یک شرکت مربوط به سنگ کاری می کرد. خانه شان در همسایگی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) قرار داشت. فرزندانشان نیز همان جا متولد شدند و در محیطی مذهبی رشد کردند. با آغاز جنگ تحمیلی، وقتی قرار بر این شد که علی و برادرش به جبهه عزیمت کنند، مادر فاطمه خانم دلش تاب نمی آورد که دخترش در غربت چشم انتظار نور چشمانش باشد. از این رو پیشنهاد داد که راهی مشهد شوند. فاطمه خانم می گوید: عزم و اراده علی آقا را که می دیدم، یقین داشتم برانجام این عشق جز شهادت نیست. به همین دلیل زندگی در تهران را رها کردیم و راهی شهر و دیار خودمان، مشهد، شدیم. علی آقا اولین بار از مشهد عازم جبهه شد.

● برای شهادتش همه اهل محله سنگ تمام گذاشتند

اقتدار و استواری فاطمه خانم راه را برای رفتن همسر و پسر دیگرش به جبهه باز کرد. دو پسر داشتیم و دو دختر. در این هشت سال خیلی وقت های شد که همسر و دو پسر، علی آقا و حسین، در خط مقدم بودند و من و دخترها تنها بودیم. حسین بیشتر در بخش تحویل پیکر شهدا (معراج شهدا) فعالیت می کرد. همان جا هم جانباخت. حاج عباس هم برای رزمندگان هانان می پخت و آشپزی می کرد. نگاهش دوباره به قاب عکس پسر شهیدش خیره مانده است. با گوشه چارقدش اشک چشمانش را پاک می کند. نفسی تازه می کند و می گوید: خیلی مهر بان بود و نترس. خیلی زحمت می کشید این بچه ای مادر، یادش به خیر! وقتی هم شهید شد، همسایه ها سراسر کوچه را چراغانی کردند و چهل روز در همین محل برایش بر رویا و مراسم برپا بود. علی آقا اولین روز فروردین ۱۳۴۲ به دنیا آمد و شهادتش هم در اولین ماه سال ۱۳۶۴ رقم خورد. پدرش هم سه سال پیش به رحمت خدا رفت. علاوه بر این، داغ از دست دادن یکی از دخترها نیز بر قلب این مادر شهید نشست است. حالا او مانده است و یک پسر و دخترش و یک دنیا خاطره که در این خانه وقف شده خاک می خورد.

● وقتی به نام شهید

مادر شهید غفار یان پس از اینکه سهم الارث و فرزندش را داد، اول خانه اش را وقف کرد و بعد تصمیم به ساختن یک مسجد در نقطه ای کور گرفت. هزینه خرید زمین و ساختن بنای مسجد را با فروش طلاهایش و زمینی در ویرانی فراهم کرد. محلی که به او پیش نهاد شد، انتهای خین عرب، حوالی روستای فریزی بود. ساختن مسجد با نام «امیر المؤمنین (ع)» آغاز شد و از سه سال پیش مراحل ساختش شروع شد.

بنای مسجد که حالا در مرحله نماگذاری و گچ کاری است، قرار است به زودی آماده بهره برداری شود. اتفاقی که اهالی آن محله و بچه مسجدی ها مدت ها است در انتظارش روز شماری کرده اند. این مسجد در سه طبقه با یک طبقه زیر زمین طراحی شده است؛ طبقه همکف برای آقایان نمازگزار، طبقه اول ویژه بانوان نمازگزار، طبقه دوم به عنوان خانه عالم و خادم و در زیر زمین نیز مجموعه ورزشی پیش بینی شده است.

● جای سوزن انداختن نبود

حال روز فاطمه خانم این روزها به گونه ای است که شاید برخی اتفاقات مهم زندگی اش را هم خوب به یاد نیاورد. اما خاطره ایستگاه راه آهن آن روزها که مملو از جمعیت مشتاقان وطن بود، در ذهنش ماندگار و ابیدی شده است؛ جای سوزن انداختن نبود. انگار قیامت گیری بود. بچه های کم سن و سال و ریز و درشت برای سوار شدن به قطاری که آن ها را به سوی جاودانگی پیش می برد، از هم سبقت می گرفتند. هر بار اعزام نیرو در کار بود، صحنه های دل انگیزی از دل کندن جوانمردان ایرانی از خانواده هایشان را از نزدیک می دیدم و خدایم داند چقدر سخت بود. علی اهل کار سیاسی بود. در جلسات حزب ها مشارکت فعال داشت و چندین بار به جرم مخالفت با بنی صدر و پاره کردن عکس هایش از روی دیوارهای شهر بازخواست شده بود، اما گوشش بدهکار نبود.



شهید علیرضا غفار یان وفایی



روز تشییع پیکر شهید در مشهد



عکس زننده ها با علیرضا در جبهه جنوب



مسجد وقفی مادر شهید در حاشیه شهر

اینفوگرافیک

محلات منطقه ۸:

نام: بالاخیابان، پایین خیابان

تعداد صندلی‌های چرخ‌دار خودخدمتی و گشت‌سیار ۷۰۰



تعداد صندلی‌های چرخ‌دار ۲۵۰۰



خدمت به سالمندان

شوشتری: حرم مطهر چند سالی است که نگاه خاصی به زائران سالمند و کم‌توان داشته و تلاش کرده است با توجه به گسترش روزافزون فضا‌های اماکن متبرکه رضوی، افزایش خیل عظیم زائران در ایام مناسبتی و طولانی شدن مسیر ورودی‌ها تا روضه منوره، با فراهم کردن امکاناتی مانند صندلی‌های چرخ‌دار زیارت‌آنان را تسهیل کند. در اینفوگرافی پیش رو نگاهی آماری داریم به صندلی‌های چرخ‌دار و زائر بربرقی حرم مطهر.

۶ محورهای فعالیت زائر بربرقی

باب‌الرضا (ع) - صحن کوثر، باب‌الجواد (ع) - صحن غدیر، خیابان آیت... طبری، رینگ شیخ طوسی، رینگ شیخ طبری و رینگ شهید نواب صفوی

۵ محورهای فعالیت صندلی‌های چرخ‌دار خودخدمتی

باب‌الرضا (ع)، باب‌الجواد (ع)، شیخ طوسی، شهید نواب صفوی و شیخ طبری



مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر شهر آرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهر آرا محله منطقه ثامن: فاطمه شوشتری
تلفن شهر آرا محله منطقه ثامن: ۳۲۲۱۲۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه ثامن: خیابان کاشانی، کاشانی ۱۲، پلاک ۲۳
پست الکترونیک:
mahallesamen@shahrara.ir
کانال شهر آرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از:
shahraranews.ir

کوچه قالی فروش‌ها

(شهید اندرزگوی ۱۳)

محله بالاخیابان



مرمت بازار فرش نزدیک سه سال پیش آغاز شد. ابتدا قرار بود یک‌ساله به پایان برسد، اما این پروژه همچنان نیمه‌کاره است.

راسته بازمانده از صفوی‌ها

آتش به جانش افتاد، سروشکل اولیه‌اش را از دست داد. بعد از آن هم چندبار به دلیل کشیدن فلکه حضرت و گسترش صحن‌های حرم مطهر از سروتهش زده‌اند. این راسته در گذشته هفت فرعی همچون حوض نو، حاج شیخ غلامحسین ترک، آیت... سبزواری، بلبل، حمام سوسو و... داشت که از آن فقط دو کوچه مانده است.

فاطمه شوشتری بازار قدیمی فرش مشهد دیگر زیرطاقی قدیمی‌اش را ندارد تا هشتی‌اش خبر از تاریخ راه‌اندازی آن در دوره صفوی بدهد؛ راسته‌بازاری که پیش از خیابان کشی‌ها به سرشور متصل بود. این بازار که تاکنون تغییرات زیادی گریبان‌ش را گرفته است، طبق گفته‌های کاظم فخلعی، به راسته قالی فروش‌ها معروف بود و در دوره پهلوی اول که

کاظم فخلعی سال ۱۳۲۷ در خانه‌ای داخل همین بازار به دنیا آمد و با دامادی، پدرش یکی از اتاق‌های خانه را به او بخشید تا در بازار بماند. او تعریف می‌کند: این راسته محل زندگی و کسب خیلی‌ها بود. مرحوم پدرم پنجاه‌شصت قالی‌باف داشت که هنرشان در همین مغازه فروخته می‌شد، ولی اکنون بازار فرش مرده است.

این راسته که کوچه میان‌بر از خیابان شهید اندرزگوی حرم مطهر و بالاخیابان است، آثار تاریخی کم‌ندارد؛ مانند مسجد و حمام شاه، مسجد مؤتمن السلطنه و حوض چهل‌پایه. البته این حوض انبار فقط ۲۸ پله دارد، اما ارتفاع پله‌ها به حدی است که به این نام شهره شد.

